

صورت‌تحول بنیادین

سرمقاله

بتول عطاران* | tvoccd88@roshdmag.ir

به مبانی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن نارساست. تجربه‌ی نظام‌های آموزشی و مهارت‌سازی در کشورهای مختلف، نظیر آلمان، ژاپن، کره‌ی جنوبی، سنگاپور و انگلستان نشان داد که چه‌گونه این کشورها نظام مهارت‌سازی خود را در فرایند جهانی‌سازی طراحی کرده‌اند.

به طور کلی چهار مسیر منحصر به فرد ملی به سوی اقتصاد مهارت‌های برتر دیده می‌شود. اولین مدل که به آلمان منسوب است. نزدیک‌ترین مدل به تعریف ما از جامعه‌ی مهارت‌های برتر است. اقتصاد آلمان، اساساً رقابت ملی را بر بهره‌وری بالای تولید صنعتی در بخش‌های مولد کالاهای مرغوب (که به نحوی بر نخبگان علمی و مهارت‌های میانی برخوردار از کیفیت بالا متکی است) استوار نموده است. در این نظام مهارتی به توزیع گسترده مهارت‌ها و سطوح بالای اعتماد اجتماعی و ترویج و ارتقای درآمدها و برابری دستمزدها پرداخته می‌شود.

دومین مدل، که نمونه‌ی ژاپن است، بیش‌تر مدیون دولتی است که دوره‌ی رشد را می‌گذراند. این مدل نیز رقابت ملی را بر بخش‌های مولد کالاهای مرغوب غالباً متکی بر مهارت‌های میانی استوار نموده است. مهارت‌سازی در ژاپن، حول محور سطوح بالای آموزش و پرورش عمومی،

همه اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز بیست ساله، برنامه توسعه سیاسی اجتماعی فرهنگی کشور و... بر آموزش و پرورش تربیت‌کننده نیروی متعهد و خلاق و کارآمد تأکید داشته‌اند. این تأکیدات به طرح تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش منجر شده است که در آستانه سال تحصیلی ۹۰-۸۹ ضرورت اجرای آن بیش از پیش احساس می‌شود. این طرح بنا به تعبیر مقام معظم رهبری در تکمیل فعالیت‌هایی است که در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش انجام شده است. لکن هنوز به **همت مضاعف و کار مضاعف** نیازمند است تا تغییرات اساسی در آن صورت پذیرد.

تحلیل یک نظام آموزشی خارج از چهارچوبی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) که آن را احاطه کرده است بی‌معناست. هر نظام آموزشی در بستر خاص همان جامعه جوانه می‌زند، شکل می‌گیرد، می‌روید و متحول می‌شود. نظام آموزشی تبلور و تصویری روشن از اهداف و مقاصد آگاهانه و غیرمستقیمی است که توسط دولت‌ها در هر دوره‌ای طراحی می‌شود و به اجرا درمی‌آید.

لذا تحلیل شرایط کنونی و بررسی نقاط ضعف و قوت نظام آموزشی و مهارت‌سازی کشور بدون توجه

در نظام آموزش و پرورش

علاوه بر این، آموزش و پرورش و کارآموزی در سنگاپور به شدت پیشرفت کرده و هم‌اکنون به جایگاهی رسیده که گروه‌های جدیدی را به بازار کار وارد نموده است؛ گروه‌هایی که اکثر آنان از مهارت‌های حرفه‌ای مناسب و سطوح تکنیکی قابل قبول برخوردارند.

چهارمین مدل مهارت برتر، مدل انگلستان است. این مدل رقابت را بر سطوح بالای نوآوری و بهره‌وری در برخی فناوری‌های برتر، تولید صنعتی نوآورانه بخش‌های خدمات، بازارهای کار قابل انعطاف و بهره‌وری سرمایه استوار نموده است. نظام مهارت‌سازی‌هایی که به این مدل مرتبط است، ترکیبی قطبی شده از مهارت‌های پایین و مهارت‌های برتر نخبگان را به وجود می‌آورد که در نوع خود با سطوح بالایی از نابرابری درآمد همراه است.

شواهد اخیر درخصوص موفقیت نسبی تجاری بخش‌های مهارت‌های متفاوت در کشورهای مختلف دلالت بر این دارد که چگونه تعیین راهبرد مهارتی در نظام آموزشی به رقابت ملی در بازار جهانی تبدیل می‌شود.*

* جهت مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه، مراجعه شود به کتاب جهانی‌سازی و نظام آموزشی با تأکید بر کشور ایران، تألیف دکتر پدالله محمدعلی زاده.

به شکلی بسط یافته در همه‌ی جمعیت، بنا شده است. این امر از طریق نظام آموزشی به شدت کنترل شده و استانداردی که نگرش‌های تعاون، انسجام گروهی و کار گروهی ضروری را برای نظام‌های مدیریت کارخانه‌ای ایجاد نماید، فراهم شده است.

ژاپن نیز، همانند آلمان به شدت به کارآموزی‌ای که توسط کارفرمایان صورت می‌گیرد متکی است و این اتکا کم‌تر از طریق کارآموزی حرفه‌ای به سبک شاگردی است و بیش‌تر کارآموزی مستمری است که بر پایه‌ی بازارهای کار داخلی توسط کارخانجات بزرگ فراهم می‌آید.

مدل سوم مدل مهارت‌های برتر تکاملی در حال توسعه است و نمونه‌ی آن در کشور سنگاپور پیاده شده است. در این مدل سرمایه‌ی انسانی به صورتی فزاینده مورد اهمیت قرار می‌گیرد. مهارت‌های بومی و محلی در جریان رقابت نقش عمده ایفا می‌نمایند و رشد و رقابت بیش‌تر بر عواملی چون رقابت دستمزد، زیرساخت و پیشینه‌سازی دولتی، که قویاً در حال توسعه‌اند، متکی است.

بوروکرات‌ها و مهندسين نخبه و کاملاً شایسته در این نظام ایفاگر نقش‌اند، نه نخبگان خلاق، علمی و کارآفرینی که در آلمان، بریتانیا و ایالات متحده، نقش رهبری‌کننده برعهده دارند.